

یادداشت

فروپاشی هژمونی دلار در سایه تنگه هرمز



وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

بارها شنیده‌ایم بازار جهانی انرژی مهم‌ترین نقطه اتسکای دلار در اقتصاد بین‌الملل محسوب می‌شود بنابراین تا زمانی که نفت و گاز در مقیاس وسیع یا برای دلار به‌صورت پایسدار بازتولید خواهد شد و شورویخانه این واقعیت، پایه اصلی قدرت مالی رژیم تروریستی آمریکا را شکل داده است. طبیعی است هر اقدامی که بتواند این چرخه را مختل کند، مستقیماً بر موقعیت دلار اثر می‌گذارد. موضوع تنگه هرمز در همین چارچوب قابل تحلیل است و نباید اجازه داد چنین فرصتی دود شود!

اقدام جمهوری اسلامی ایران در مدیریت تنگه راهبردی هرمز که در امتداد پاسخ به تجاوز نظامی رژیم تروریستی آمریکا و نیروی نیابتی آن در منطقه، یعنی رژیم کودک‌کش صهیونیستی، به خاک کشورمان صورت گرفته است، صرفاً در سطح نظامی باقی نمانده و به حوزه اقتصاد سیاسی نیز امتداد یافته است و این جابه‌جایی از آن جهت اهمیت دارد که آثار و هزینه‌های اقتصادی در افق بلندمدت تعیین‌کننده‌تر از تحولات مقطعی ارزیابی می‌شود. در این چارچوب، تصمیم به دریافت عوارض از نفتکش‌های عبوری و مخصوصاً سازوکار تسویه مالی آن، نقطه کلونی به‌شمار می‌رود.

■ **تغییر در گلوگاه تسویه انرژی**

تنگه راهبردی هرمز یکی از معدود نقاطی است که در آن جریان فیزیکی انرژی با سازوکارهای مالی تلاقی پیدا می‌کند چرا که بخش قابل توجهی از نفت جهان از این مسیر عبور می‌کند، بنابراین طبیعی است تغییر در قواعد حاکم بر آن، در بازارهای جهانی بازتاب پیدا کند. این ویژگی، به ایران امکان می‌دهد در نقطه‌ای مداخله کند که اثر آن فراتر از یک حوزه محدود باشد.

طرح دریافت عوارض که به گفته یکی از نمایندگان مجلس، بنیاست دلار در ازای هر بشکه نفت عبوری باشد، اگر با الگوی رایج دلاری اجرا شود، تفاوتی در جایگاه دلار نخواهد کرد اما اگر عوارض با ارزی غیر از دلار دریافت شود، می‌توان انتظار داشت تغییر واقعی در سازوکار تقاضای دلار شکل گیرد و به عبارتی بستر فروپاشی دلار را فراهم آورد.

اگر به سمت چنین فرصتی حرکت کنیم، بازیگران بازار انرژی، اعم از شرکت‌های کشتیرانی، خریداران و واسطه‌ها، ناچار خواهند شد برای عبور از این مسیر، از ارزهای جایگزین استفاده کنند. این الزام، برخلاف بسیاری از بحث‌های نظری درباره کاهش وابستگی به دلار، یک تغییر عملی ایجاد می‌کند و بازارها به اجبارهای عملی واکنش نشان می‌دهند.

حجم عبور انرژی از تنگه راهبردی هرمز به اندازهای است که حتی یک تغییر محدود در شیوه تسویه، اثر خود را در سطح کلان نشان دهد، بنابراین اگر این روند استمرار پیدا کند، به‌تدریج بخشی از مبادلات انرژی از مدار دلار خارج خواهد شد و همین خروج تدریجی، پایه‌های تقاضای جهانی برای دلار را تضعیف می‌کند.

■ **فشار بر چرخه بازتولید دلار**

قدرت دلار به یک چرخه مشخص وابسته است. کشورهای واردکننده انرژی، برای تأمین نیاز خود به دلار وابسته هستند. کشورهای صادرکننده نیز درآمدهای دلاری خود را در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این چرخه، به‌صورت مداوم تقاضا برای دلار ایجاد می‌کند و امکان تأمین مالی اقتصاد رژیم آمریکا را فراهم می‌سازد. بنابراین تغییر در ارز تسویه در تنگه هرمز، در چنین چرخه‌ای اختلال ایجاد می‌کند چرا که انتظار می‌رود نیاز به نگهداری دلار کاهش پیدا کند، هرچند این کاهش، در کوتاهمدت ممکن است محدود به نظر برسد، اما در بلندمدت به تغییر در ترکیب ذخایر ارزی کشورها منجر خواهد شد و کشورها زمانی ترکیب ذخایر خود را تغییر می‌دهند که در عمل با نیاز جدیدی مواجه شوند. وقتی پرداخت‌ها در یک مسیر حیاتی انرژی با ارزهای غیر دلاری انجام شود، این نیاز به وجود می‌آید. در نتیجه، سهم دلار در سبد ارزی به‌تدریج کاهش پیدا می‌کند.

از طرفی این روند، اگر با سایر تحولات جهانی هم‌زمان شود، اثر تقویتی پیدا می‌کند. گسترش استفاده از ارزهای ملی در مبادلات دوجانبه، توسعه سیستم‌های پرداخت مستقل و افزایش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای، همگی بستری برای کاهش وابستگی به دلار است و اقدام ایران اسلامی نیز در مورد مدیریت تنگه هرمز، در چنین بستری معنا پیدا می‌کند.

■ **پیامدهای راهبردی و الزامات داخلی**

کاهش نقش دلار در یک گلوگاه مهم انرژی، پیامدهایی فراتر از اقتصاد دارد. بخش قابل توجهی از قدرت رژیم تروریستی آمریکا در نظام بین‌الملل، به توانایی آن در کنترل جریان‌های مالی وابسته است. ابزارهایی مانند تحریم، محدودیت‌های بانکی و فشارهای اقتصادی، بر همین زیرساخت استوار هستند، بنابراین هرچه وابستگی به دلار کاهش یابد، کارایی این ابزارها نیز کمتر می‌شود. مدیریت تنگه هرمز از این منظر، یکی اقدام چندلایه است که در سطح اقتصادی، به کاهش تقاضای دلار منجر می‌شود و در سطح راهبردی، دامنه نفوذ ابزارهای مالی رژیم آمریکا را محدود می‌کند. سب طبیعی است که ایران ما از موقعیت جغرافیایی خود استفاده کند تا در نقطه‌ای مداخله شود که مستقیماً به ساختار قدرت جهانی متصل است.

بااین حال، بهره‌برداری از این موقعیت، برخی الزامات داخلی را نیز دارد چه آنکه اقتصادی که بتواند ثبات نسبی خود را حفظ کند، امکان استفاده از فرصت‌های بیرونی را پیدا می‌کند. تنگه کشورمان، با وجود فشارهای خارجی، بمدنده تاکنون توانسته است در حوزه‌هایی مانند پترولاین، فسیله و منطقه‌ای، سطحی از پایداری را حفظ کند. این پایداری، پیش‌شرط اثرگذاری اقدامات راهبردی است. اگر سیاست‌گذاری اقتصادی در داخل کشورمان با این رویکرد هماهنگ شود، اثر اقدامات خارجی چند برابر خواهد شد. ساماندهی نظام توزیع منابع، تقویت زیرساخت‌های مالی و تسهیل تجارت با کشورهای همسایه، از جمله اقداماتی است که می‌تواند این مسیر را تقویت کند. ضمناً فراموش نکنیم که تغییر در هژمونی دلار، یک فرآیند تدریجی و پیچیده است و صرفاً یک اقدام واحد نمی‌تواند این ساختار را دگرگون کند. اما مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند، اگر در یک جهت حرکت کنند، می‌توانند نتیجه متفاوتی ایجاد کنند. تنگه راهبردی هرمز در شرایط کنونی به یکی از نقاط تبدیل شده که این تغییر در آن قابل مشاهده است. تغییر در نحوه تسویه عوارض عبور شناورها، اگر با ثبات ادامه پیدا کند، به کاهش تدریجی نقش دلار در تجارت انرژی منجر خواهد شد و آن‌شالله این روند، در صورت تلاوم، می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در تضعیف هژمونی مالی رژیم امریکا باشد و مسیر شکل‌گیری یک نظم اقتصادی متوازن تر را هموار کند. آنچه در سایه قدرت جمهوری اسلامی ایران در تنگه هرمز رخ داده است، می‌تواند آغاز فروپاشی هژمونی دلار باشد.

قیمت نفت ایران طی دو ماه افزایش بی‌سابقه‌ای را تجربه کرد، به طوری که ارزش هر بشکه نفت سبک و سنگین از حدود ۶۰ دلار به بیش از ۱۱۲ دلار در پایان فروردین رسید. این جهش بی‌سابقه حدود ۷۰ تا ۸۰ درصدی، در پی تشدید تنش‌ها و تحولات ناشی از جنگ رمضان رقم خورد. مطابق آمار منتشرشده از منابع معتبر بازار نفت، قیمت نفت سنگین ایران در اوایل مارس حدود ۷۷ دلار و ۹۸ سنت بوده که در پایان ماه مارس به بیش از ۱۱۱ دلار و ۸۰ سنت رسید، همچنین نفت سبک ایران از حدود ۷۹ دلار و ۸۸ سنت تا ۱۱۳ دلار و ۷۰ سنت افزایش یافت. این رشد قیمتی در حالی است که در ماه‌های ابتدایی سال، با قیمت‌های کمتر معامله می‌شد. تحولات جاری در منطقه پیرو حملات تجاوزکارانه رژیم آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتعریف شاخص‌های انرژی جهانی داشته است. ■ ■ ■

روند افزایشی قیمت نفت ایران نتیجه مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و رویدادهاست که از چندی پیش شکل گرفت. بازار جهانی نفت که به طور معمول نسبت به هرگونه نااطمینانی سیاسی و نظامی حساس است، با بروز تنش‌های جدید، واکنشی قوی نشان داد و ارزش نفت ایران به‌طور معنی‌داری افزایش یافت.

بر اساس آمار رسمی منتشرشده، قیمت هر بشکه نفت خام ایران، اعم از سبک و سنگین، در محدوده ۶۰ تا ۶۶ دلار قرار داشت که بررگفته از معاملات واقعی در بازارهای جهانی بود و نشان‌دهنده وضعیت متعادل عرضه و تقاضا در آن برهه به‌شمار می‌رفت اما هم‌زمان با شروع وحشی‌گری آمریکا و رژیم نجس صهیونیستی علیه کشورمان، بازار نفت وارد فاز جدیدی شد.

در چهارمین روز وحشی‌گری «طبقه‌اپستین»، نفت سنگین ایران با قیمت ۷۷ دلار و ۹۸ سنت معامله شد و ظرف کمتر از یک‌مساء، یعنی تا یازدهم فروردین، این رقم به ۱۱۱ دلار و ۸۰ سنت رسید که افزایش بیش از ۴۳ درصدی را نشان می‌داد. همچنین نفت سبک ایران که در ابتدای جنگ تحمیلی سوم حدود ۷۹ دلار

اقتصاد

سرویس اقتصادی۰۶۰۸۵۳۳

قیمت نفت در خلال جنگ تحمیلی سوم رشد چشمگیری را تجربه کرد

قیمت نفت ایران ۸۰ درصد افزایش یافت

بر اساس داده‌های بازار جهانی، قیمت هر بشکه نفت سبک و سنگین ایران از حدود ۶۰دلار به ۱۱۲دلار رسید



کارشناسان معتقدند این افزایش قیمت تابعی از شرایط فعلی است، لذا پایداری آن نامشخص قیمتی است.

این جهش قیمتی به دو دلیل اصلی، نخست، نگرانی بازار از کاهش عرضه در پی درگیری‌های منطقه‌ای دوم، افزایش تقاضا در نتیجه تلاش کشورهای مصرف‌کننده برای ذخیره‌سازی انرژی شده است. کشورهایی که به واردات نفت وابسته هستند، با افزایش هزینه‌های تأمین انرژی روبه‌رو هستند که این موضوع می‌تواند فشار تورمی را تشدید کند.

بازار نفت به گونه‌ای طراحی شده است که ختلال در یکی از تولیدکنندگان بزرگ انرژی، به سرعت در قیمت‌ها بازتاب می‌یابد. در این زمینه، ایران به‌عنوان یکی از تولیدکنندگان نفت خام در غرب آسیا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نوسان قیمت آن، فراتر از مرزهای ملی، بر شاخص‌های جهانی نیز تأثیرگذار است و همین تأثیر یکی از

دلایل تحمیل خواسته‌های منطقی ایران به طبقه اپستین به‌شمار می‌رود.

در واقع، افزایش قیمتی که این بار شاهد آن هستیم، فقط ناشی از عرضه و تقاضای سنتی نیست، بلکه بازتابی از وضعیت اضطراری است که در منطقه شکل گرفته است. این وضعیت، بازار انرژی را در شرایط عدم قطعیت قرار داده و باعث شده است که بازیگران جهانی از افزایش ذخایر نفت و سوخت استقبال کنند، حتی اگر به معنای پرداخت هزینه‌های بالاتر برای مصرف‌کنندگان باشد.

در شرایط عادی، قیمت نفت از طریق توازن نسبی میان عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، اما زمانی که بازار با عدم قطعیت‌های سیاسی مواجه می‌شود، سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بزرگ انرژی به سمت ذخیره‌سازی بیشتر میل می‌کنند، موضوعی که خود به افزایش قیمت دامن می‌زند. ایران اسلامی به‌عنوان کشوری که درگیر دفاع

گزارش یک

زینب زرین



طبقه‌اپستین با حمله به ایران قصد داشت منابع نفتی کشورمان را غارت کند، اما ایستادگی مردم و نیروهای مسلح، مدیریت هوشمندانه تنگه هرمز و مقاومت جانانه ملت، باعث شدد قیمت نفت جهش پیدا کند و تلاش متجاوزان به شکستی کامل و تحقیر آمیز تبدیل شود

مشروع در برابر حملات تجاوزکارانه آمریکا و رژیم صهیونیستی است، در موقعیتی قرار دارد تا پیامدهای اقتصادی این افزایش قیمت را به سود ملی تبدیل کند بی‌آنکه از تبعات منفی آن غفلت ورزد. یادمان نرود «طبقه‌اپستین» با طراحی حملات گسترده علیه ایران ما، قصد داشت منابع نفتی کشورمان را غارت کند و بازار انرژی را به نفع خود کنترل کند.

این طبقه که سال‌ها با زور و فشار، کشورهای مستقل را هدف می‌گیرد و منابع آنان را به چنگ می‌آورد، در برابر اراده مردم و نیروهای مسلح ایران ناکام ماند. برنامه شوم آنها با مقاومت جانانه ایران نقش بر آب شد و شکست مفتضحانه‌ای برای متجاوزان رقم خورد.

نیروهای مسلح ایران با تدبیر و هماهنگی دقیق، مسیرهای راهبردی کشور، از جمله تنگه حیاتی هرمز را تحت کنترل کامل گرفتند و اجازه ندادند حتی یک متر از منابع حیاتی کشور در این مسیر راهبردی قربان شود. مدیریت هوشمندانه این مسأله باعث شد حملات دشمن بی‌اثر شود و حتی بازار جهانی نفت تحت تأثیر تصمیمات ایران قرار گیرد. این اقدامات نشان داد که هر تهاجم خارجی به ایران با مقاومت قاطع و پیامد اقتصادی شدید روبه‌رو خواهد شد. نتیجه مستقیم این ایستادگی، جهش بی‌سابقه قیمت نفت ایران بود. نفت سنگین و سبک که پیش از جنگ رمضان در محدوده ۶۰ تا ۶۶ دلار معامله می‌شد، در پایان مارس ۲۰۲۶ به بیش از ۱۱۲ دلار رسید. افزایش ۷۰ تا ۸۰ درصدی قیمت نفت، ضربه‌ای به طبقه‌اپستین و متحدانش محسوب می‌شود و انتظار می‌رود این روند استمرار داشته باشد.

بیشترین درآمد نفتی منطقه در فروردین ماه نصیب ایران شد

عرستان عمدتاً ناشی از جهش قیمت جهانی نفت است و در عمل حجم صادرات این کشور به شدت کاهش یافته است. همچنین صادرات نفت عراق حدود ۷۰ درصد سقوط کرده و کویت نیز وضعیت فورس ماژور اعلام کرده است.

کارشناسان معتقدند تا زمانی که تنگه هرمز بازگشایی نشود، این الگو ادامه خواهد یافت. ایران به‌عنوان تنها کشوری که کنترل عملیاتی بر این ابراه حیاتی دارد، هم از نظر امنیت صادرات و هم از نظر بهره‌مندی از قیمت‌های بالا، در موقعیت انحصاری قرار گرفته است.

■ **افزایش فروش نفت ایسران و تلاوم عبور نفتکش‌ها**

یک کارشناس بازار انرژی، در گفت و‌گو با ایرنا می‌گوید: براساس ارزیابی مؤسسه آمریکایی «کویتی-لیتسر»، فروش نفت ایران با افزایش چشمگیری مواجه شده و نفتکش‌های ایرانی نیز بدون مشکل از تنگه هرمز عبور می‌کنند.

محمدعلی صادقی می‌افزاید: بر اساس این گزارش، ایسران روزانه حدود ۱۳۹ میلیون دلار از عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز درآمد دارد و تنها در کمتر از یک ماه، نزدیک به ۲/۹میلیارد دلار کسب کرده است.

صادقی تأکید می‌کند: این در حالی است که بسیاری از کشورها در فروش نفت خود با مشکل روبه‌رو هستند؛ اما حجم فروش نفت ایران به بیش از ۲/۳ میلیون بشکه در روز رسیده است؛ رقمی که از آغاز جنگ کنونی تاکنون بی‌سابقه است.

تجارت کشاورزی ایران و روسیه گسترش می‌یابد

اسلامی ایران اقدامات موثری برای تأمین غذا و امنیت غذایی شهروندان خود انجام داده و روسیه به‌عنوان همسایه متعهد و شریک تجاری در این مسیر، هر کمکی که لازم باشد، انجام و در راستای تأمین امنیت غذایی در کنار جمهوری اسلامی ایران خواهد ایستاد. وزیر کشاورزی روسیه افزود: همکاری مناسبی میان بخش خصوصی و بازگانان دو کشور شکل گرفته است و با حمایت دولت ما این روند توسعه پیدا خواهد کرد. طرفین در این گفت و گو بر توسعه روابط تجاری و اقتصادی و تسهیل مبادلات و ترانزیت کشاورزی تأکید کردند.

با شتاب در حال انجام است.

نوری، توسعه کشاورزی را از مهم‌ترین و مؤثرترین همکاری‌ها و مبادلات اقتصادی میان ایران و روسیه دانست و گفت: طی سال‌های اخیر حجم تجارت دو کشور و دسترسی به بازارهای دو کشور در این زمینه افزایش داشته که با وجود تحریم و جنگ تلاوم خواهد داشت.

■ **روسیه به عنوان همسایه متعهد در تأمین امنیت غذایی ایران خواهد ایستاد**

اوکسانا لوت، وزیر کشاورزی روسیه هم در این گفت‌وگوی تلفنی با محکوم کردن تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران و کشتار غیرنظامیان گفت: جمهوری

نوری قزلبچه با اشاره به توسعه مناسبات در چارچوب توافق جامع راهبردی ایران و روسیه که در دی‌ماه ۱۴۰۳ در کرملین به‌امضای رؤسای جمهور دو کشور رسید، گفت: طی سال‌های اخیر حجم تجارت دو کشور و دسترسی به بازارهای دو کشور در این زمینه افزایش داشته که با وجود تحریم و تولیدکنندگان خود را محفاظت کرده است.

بود بر ضرورت تقویت تجارت و توسعه ترانزیت به گفته وی، با تدابیری که از ماه‌ها پیش اندیشیده شده، علاوه بر تأمین امنیت غذایی و کالاهای اساسی و سفره و معیشت مردم، روند علمی و اجرایی اصلاح نباتات و تولید بذر، دامداری، تولید واکسن و دامپزشکی، توسعه فناوری‌های پیشرفته کشاورزی و آموزش تخصصی در مراکز علمی و تحقیقاتی ایران بازگتان و حوزه‌بلکی و مالی دو کشور ایجادشده است.

صهیونیستی را به ایران نقض آشکار قوانین بین‌المللی برشمرد و افزود: ایران به پشتوانه تولید کالاهای اساسی در داخل و توسعه تجارت خارجی با همسایگان شمالی خود، امنیت غذایی شهروندان خود را محفاظت کرده است.

محصولات کشاورزی و دامداری ایران و روسیه در شرایط جنگی تأکید کرد و افزود: ایستگاه‌های قرنطینه دامی و گیاهی میان ایران و روسیه دایر شده است تا موانع احتمالی مبادلات میان دو کشور رفع شود، همچنین همکاری گسترده‌ای میان فعالان اقتصادی و بازگانان و حوزه‌بلکی و مالی دو کشور ایجادشده است.

وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه جنگ مانع توسعه تجارت باشرکای اقتصادی نخواهد شد، گفت: مسیر تجارت و تبادلات کشاورزی ایران و روسیه و همکاری مشترک فعالان اقتصادی، بازگانان، حوزه بانکی و مالی دو کشور گسترش می‌یابد.

به گزارش ایرنا، علما رضا نوری قزلبچ در تماس تلفنی با اوکسانا لوت، وزیر کشاورزی روسیه، ضمن بررسی تحولات اقتصادی و تجارت کشاورزی ناشی از بروز جنگ منطقه‌ای، درباره تقویت و توسعه همکاری‌های دوجانبه و تأمین امنیت غذایی در منطقه گفت‌وگو کرد.

وزیر جهاد کشاورزی، تجاوز آمریکا و رژیم



■ **مسیرهای زرزو، راهکار اضطراری اما ناکافی**
این کارشناس حوزه انرژی همچنین تأکید می‌کند: «به نظر می‌رسد برخی مسیرهای جایگزین دیگر نیز به‌عنوان مسیرهای زرزو از سوی کشورها با شرکت‌ها در نظر گرفته شده باشند. اما باید توجه داشت که این مسیرها تنها ظرفیت پوشش محدود را دارند و نمی‌توانند نقش تنگه هرمز را به طور کامل ایفا کنند. بدینوسیله است در شرایط بحرانی، مسیرهای جایگزین تنها می‌توانند بخشی از بحران را کنترل کنند. تنگه‌هرمز با سهم حدود یک‌پنجم از تجارت جهانی نفت، مسیر بی‌بدلی است و اختلال در آن می‌تواند تبعات شدیدی اقتصادی برای جهان داشته باشد.»

خبر